

خطبه های مجازی نماز جمعه مشهد مقدس

آیت الله سید احمد علم الهدی - ۱۹ دی ۱۳۹۹



خطبه ها



انقلاب اسلامی، انقلابی ارادی و هدفمند

به وجود آورد، سبب ایجاد حرکت و قیام خونینی شد که ادامه پیدا کرد و به پیروزی انقلاب مقدس اسلامی متصل شد. در حقیقت، انگیزه‌ی انقلاب و به‌پاخاستن مردم، عشق به اسلام، ارادت به روحانیت و مرجعیت، وابستگی به یک رهبر عظیم روحانی و دینی بود و در حقیقت، در دنباله‌ی اصل نهضت و قیام او، مردم به‌عنوان ارادت به او و خشم در برابر اهانت به او در ۱۹ دی ماه قیام کردند. قیام مردم قم به قیام شهرها و استان‌های دیگر انجامید و در نهایت به یک هیجان عمومی و حرکت همگانی در ملت منتهی شد و انقلاب به پیروزی رسید.

انفجار شد؛ درحالی که مسأله اینگونه نیست. انقلاب مقدس اسلامی ما یک انقلاب ارادی و هدفمند بود. اگر دقیقاً نقطه‌ی به‌پاخاستن مردم قم را به‌عنوان انقلاب و قیام این مردم بررسی کنیم، به این نتیجه خواهیم رسید که قیام مردم قم که از روحانیت و حوزه‌ی علمیه‌ی قم سرچشمه گرفت، به‌خاطر مقاله‌ای بود که در روزنامه اطلاعات وابسته به نظام ستم‌شاهی نوشته شده بود و مقام مقدس امام بزرگوار را مورد اهانت قرار داده بود. این ناراضیتی که در مردم به وجود آمد و غضب و خشمی که اهانت به امام بزرگوار

نکته‌ی قابل تأمل برای ما، شناخت نوع و ماهیت انقلاب مقدس اسلامی است؛ انقلابی که موج نهایی آن در ۱۹ دی‌ماه ۱۳۵۶ به‌وسیله مردم قم آغاز شد. انقلاب اسلامی از نوع انقلاب انفجاری بود یا از نوع انقلاب ارادی و هدفمند؟

بعضی درصدد این هستند که انقلاب مقدس اسلامی را انقلابی انفجاری معرفی کنند و بگویند مردم بر اثر فشارهایی که از نظام ستم‌گر و ستمشاهی پهلوی داشتند، به تنگ آمدند و هیجانی در مردم به وجود آمد و ناراضیتی‌ها سبب انسجام مردم در یک

سه شرط برای تحقق اهداف انقلاب

انقلاب اسلامی ما مسیر خودش را ادامه می‌دهد و با سرعت هم پیش می‌رود و زود هم به نتیجه می‌رسد اما به سه شرط:

ادامه مطلب صفحه ۶

انقلاب اسلامی؛ موفق یا متوقف؟

از آن روز تا به امروز ۴۳ سال می‌گذرد. آیا هدفی که مردم آن روز برایش قیام کردند و در مقابل گلوله‌های داغ و مسلسل جلادان شاه واقع شدند.

ادامه مطلب صفحه ۳

هدف انقلاب اسلامی، احیای دین بود

انقلاب اسلامی، یک انقلاب ارادی و هدفمند بود و اینگونه نبود که بگوییم مردم به‌خاطر انفجار مسائل اقتصادی، فقر، تنگدستی، فشار و حکومت

ادامه مطلب صفحه ۲

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله؛ أشهد أن لا إله إلا الله وحده
لا شريك له و أشهد أن محمداً عبده و رسوله
و أشهد أن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب و
اولاده المعصومين هم حُجَجُ الله على الخلق
اجمعين
اللهم صلّ و سلّم على عبدك و حبيبك

و رسولك محمدٍ سيد الأولين و الآخرين و
على عترته الهداة المعصومين سيّما على امام
المنتظر المهدي رُوحى و ارواح العالمين لِثَرَابِ
مقدمه الفدا
عباد الله! اوصيكم و نفسى بتقوى الله
همه ی شما برادران، خواهران و خودم را
به تقوى الهی سفارش می کنم.

امروز، ۱۹ دی ماه، سالروز خاطره‌ی قیام
مردم قم در سال ۱۳۵۶ است. قیام مردم قم،
سراغاز موج نهایی مبارزه با نظام ستم‌شاهی
و اتصال به پیروزی انقلاب مقدس اسلامی
بود. شناخت ماهیت این حرکت مردمی،
تبیین‌کننده‌ی واقعیت و اساس انقلاب
مقدس اسلامی ما است.

انقلاب اسلامی، انقلابی ارادی و هدفمند



انگیزه‌ی انقلاب و به‌پاخاستن مردم، عشق به
اسلام، ارادت به روحانیت و مرجعیت، وابستگی
به یک رهبر عظیم روحانی و دینی بود و در
حقیقت، در دنباله‌ی اصل نهضت و قیام او،
مردم به‌عنوان ارادت به او و خشم در برابر اهانت
به او در ۱۹ دی ماه قیام کردند. قیام مردم قم
به قیام شهرها و استان‌های دیگر انجامید و در
نهایت به یک هیجان عمومی و حرکت همگانی
در ملت منتهی شد و انقلاب به پیروزی رسید.

مقدس اسلامی را انقلابی انفجاری معرفی کنند و
بگویند مردم بر اثر فشارهایی که از نظام ستم‌گر
و ستمشاهی پهلوی داشتند، به تنگ آمدند
و هیچانی در مردم به وجود آمد و نارضایتی‌ها
سبب انسجام مردم در یک انفجار شد؛ درحالی‌که
مسأله اینگونه نیست. انقلاب مقدس اسلامی
ما یک انقلاب ارادی و هدفمند بود. اگر دقیقاً
نقطه‌ی به‌پاخاستن مردم قم را به‌عنوان انقلاب
و قیام این مردم بررسی کنیم، به این نتیجه
خواهیم رسید که قیام مردم قم که از روحانیت
و حوزه‌ی علمیه‌ی قم سرچشمه گرفت، به‌خاطر
مقاله‌ای بود که در روزنامه اطلاعات وابسته به
نظام ستم‌شاهی نوشته شده بود و مقام مقدس
امام بزرگوار را مورد اهانت قرار داده بود.

این نارضایتی که در مردم به وجود آمد
و غضب و خشمی که اهانت به امام بزرگوار
به وجود آورد، سبب ایجاد حرکت و قیام
خونینی شد که ادامه پیدا کرد و به پیروزی
انقلاب مقدس اسلامی متصل شد. در حقیقت،

معمولاً انقلاب‌هایی که در قرن‌های اخیر
رخ داده‌است بر دو قسم است؛ قسم اول،
انقلاب‌های انفجاری هستند. این انقلاب‌ها
در حقیقت، انفجار مردمی به‌خاطر مشکلات
زندگی، سراسیمگی در عرصه‌ی عمر، فشار،
خفقان ظلم، بیداد و دیکتاتوری در بعضی
کشورها بود؛ مثل انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب
روسیه و انقلاب‌هایی که با این شرایط رخ داد.
قسم دوم انقلاب، انقلاب‌های ارادی و
هدفمند است؛ در این انقلاب‌ها، مردم برای
رسیدن به یک هدف، دست به انقلاب می‌زنند
و ساختار مدیریت اجتماعی خودشان را
دگرگون می‌کنند.

نکته‌ی قابل تأمل برای ما، شناخت نوع و
ماهیت انقلاب مقدس اسلامی است؛ انقلابی که
موج نهایی آن در ۱۹ دی‌ماه ۱۳۵۶ به‌وسیله
مردم قم آغاز شد. انقلاب اسلامی از نوع انقلاب
انفجاری بود یا از نوع انقلاب ارادی و هدفمند؟
بعضی درصدد این هستند که انقلاب

هدف انقلاب اسلامی، احیای دین بود

زیرساخت فکری از امام بزرگوار و آموزه‌های
انقلابی امام به وجود آورد، احیای دین خدا بود.
مردم، دین را در معرض خطر دیدند و وقتی
مردم، مقام مقدس مرجعیتی که عنوان نیابت
از حجت خدا و امام زمان (علیه السلام) دارد
را مورد اهانت احساس کردند، به‌عنوان حمایت
از دین به‌پاخاستند. اگر شما امروز عرصه و
صحنه‌ی روز ۱۰ دی را در مشهد مقدس یا ۱۷
شهریور را در تهران بررسی کنید، به یک نقطه

انقلاب اسلامی، یک انقلاب ارادی و
هدفمند بود و اینگونه نبود که بگوییم مردم
به‌خاطر انفجار مسائل اقتصادی، فقر، تنگدستی،
فشار و حکومت دیکتاتوری، ایجاد خفقان و ظلم
و ستمی که مردم دیدند انقلاب کردند؛ البته
همه‌ی این‌ها سهمی در جریان انقلاب داشتند
و اینطور نبود که فشارهای یک نظام دیکتاتوری
ستم‌شاهی بی‌اثر باشد اما آنچه انقلاب را
به‌عنوان یک حرکت در دنباله‌ی یک زیربنا و



۱. انقلاب اسلامی حرکتی بود که با اهداف مشخصی - ولو آن اهداف که مشخص هم بود، در یک جاهائی کلی بود؛ بتدریج خرد شد، روشن شد، مصادیقش معلوم شد؛ اما اهداف، اهداف روشنی بود - به وجود آمد. هدف اسلام خواهی، هدف استکبارستیزی، هدف حفظ استقلال کشور، هدف کرامت بخشی به انسان، هدف دفاع از مظلوم، هدف پیشرفت و اعتلای علمی و فنی و اقتصادی کشور؛ اینها اهداف انقلاب بوده. (مقام معظم رهبری - ۱۹ مرداد ۱۳۹۰)

زندگی هستی؟» می گفت «نه»؛ می گفت «دنبال دین هستم و مرجع تقلید من دستور داده در مقابل یک نظام نابه کار مبارزه کنم و من به عنوان انجام یک تکلیف شرعی و احیاء اسلام و کمک به اسلام آمدم تا در مقابل یک نظام تا دندان مسلح، مبارزه کنم». انگیزه ی اصلی، احیای دین بود.^۱

خواهید رسید؛ در روز ۱۰ دی، یک خانم چادر به سری که بچه اش را بغل گرفت، از انتهای کوچه های طبرسی و نوغان تا میدان ۱۰ دی کنونی آمد و زیر زنجیرهای تانک قرار گرفت و آن چادر مشکی، کفن خود و بچه اش شد؛ اگر از او می پرسیدند «تو دنبال نان هستی؟» می گفت «نه»؛ «دنبال مسکن، راحتی و رفاه

تنها توسعه ی رفاه و آبادانی، نشانه ی موفقیت نیست

رفاه در زندگی این مردم یک جریان موفق بوده است.

نکته ای که در فرمایشات ارزشی رهبر انقلاب امروز مطرح شد، این بود که فرمودند «اگر امروز جامعه را با آن روز قیام مردم قم در ۱۹ دی مقایسه کنیم، در عرصه های علمی، حرکت های دانش بنیان، عمران و آبادانی کشور، توسعه ی راه ها و زندگی مردم و سایر ابعاد زندگی مادی بخواهیم مقایسه کنیم، نمی گویم صدها برابر (که عدد درشتی را استعمال کرده باشیم)، اما امروز، ده ها برابر این شئون زندگی مردم با آن روز متفاوت است». این هدف انقلاب نبود، مقصد قیام مردم قم در ۱۹ دی و تداوم این قیام و حرکت در بلاد و شهرهای دیگر این نبود؛ آنچه هدف انقلاب هدفمند مردم بود، احیای دین مردم بود تا اسلام قوی شود و شعائر دین و اساس حیات دینی مردم در دنیا توسعه پیدا کند. این هدف اصلی بود.



داشته، به هدف خود رسیده است؛ اما اگر انقلاب اسلامی را تنها در عرصه ی عمران، آبادانی، رفاه و امنیت تحلیل کنیم، انقلاب به هدف واقعی نرسیده است؛ ضمن این که انقلاب مقدس اسلامی در همه ی عرصه های آبادسازی و تأمین

اگر انقلاب مقدس اسلامی در تمام فراز و نشیبها و تمام حرکت هایی که در طول این ۴۳ سال از روز قیام مردم در قم تا به امروز داشته است، در احیای دین خدا و عرصه ی توسعه ی آموزش ها و ارزش های دینی، نقشی

انقلاب اسلامی؛ موفق یا متوقف؟



انسان دوستی بود. دین، زندانی شده بود و حتی در همان چهاردیواری نیز آزاد نبود؛ خطیب و رهبر دینی نمی توانست واقعیت های اصیل انسان ساز و جامعه ساز اسلام را آزادانه مطرح کند و به مردم هشدار دهد.

انقلاب به پیروزی رسید و دین از انحصار چهاردیواری مساجد و حسینیه ها خارج شده و در رأس معادلات سیاسی جهان قرار گرفته است و همه ی معادلات سیاسی دنیایی که استکبار می خواست در آن حاکم شود را بر هم زده و این قدرت برای دین به وجود آمده است. اسلام

برادران و خواهران! از آن روز تا به امروز ۴۳ سال می گذرد. آیا هدفی که مردم آن روز برایش قیام کردند و در مقابل گلوله های داغ و مسلسل جلادان شاه واقع شدند، در طی این ۴۳ سال محقق شده و این حرکت از نظر احیای دین به هدف رسیده یا نه؟

آن زمان، روزگاری بود که دین و اسلام در چهاردیواری حسینیه ها و مساجد محبوس بود؛ از این چهاردیواری که بیرون می آمدید، تمام مظاهر و در و دیوار این مملکت، مظهر فسق، کفر و ناجوانمردی در عرصه ی انسانیت و

خطبه ها



آیا انقلاب اسلامی ب

اگر انقلاب مقدس اسل
حرکت هایی که در طول
تا به امروز داشته است، د
ی آموزش ها و ارزش های
رسیده است؛ اما اگر انقلاب
آبادانی، رفاه و امنیت
نرسیده است؛ ضمن این
عرصه های آبادسازی و
جریان موفق بوده است
آن زمان، روزگاری بود
حسینیه ها و مساجد م
بیرون می آمدید، تمام م
فسق، کفر و ناجوانمردی
بود. دین، زندانی شده بو
آزاد نبود؛ خطیب و رهبر
اصیل انسان ساز و جامعه
مردم هشدار دهد

انقلاب به پیروزی رس
مساجد و حسینیه ها
سیاسی جهان قرار
سیاسی دنیایی که ا
شود را بر هم زده و ا
آمده است

امروز دقیقاً احساس
دین در نبرد و پیکار
موفق قرار گرفته اس
نهایی را در دنیا می زد
بلا و نکبتی مبتلا شد
در آمریکا دیدید

انقلاب ادامه دارد...

باید توجه داشت که ان
راه نرسیده است. پیروزی
دست آوردن یک اهرم ب
در امت اسلام و جهان
پیروزمندانه جلو آمدیم
هستیم



انقلاب اسلامی ایران

از کدام نوع انقلاب ها است؟

بعضی در صدد این هستند که انقلاب مقدس اسلامی را انقلابی
انفجاری معرفی کنند و بگویند مردم بر اثر فشارهایی که از نظام
ستم گر و ستمشاهی پهلوی داشتند، به تنگ آمدند و هیجانی
در مردم به وجود آمد و نارضایتی ها سبب انسجام مردم در یک
انفجار شد؛ در حالی که مسأله اینگونه نیست. انقلاب مقدس
اسلامی ما یک انقلاب ارادی و هدفمند بود. قیام مردم قم که از
روحانیت و حوزه ی علمیه ی قم سرچشمه گرفت، به خاطر
مقاله ای بود که در روزنامه اطلاعات نوشته شده بود و مقام امام
بزرگوار را مورد اهانت قرار داده بود. غضب و خشمی که اهانت
به امام بزرگوار به وجود آورد، سبب ایجاد حرکت و قیام خونینی
شد که ادامه پیدا کرد و به پیروزی انقلاب مقدس اسلامی
متصل شد. در حقیقت، انگیزهی انقلاب و به پا خاستن مردم،
عشق به اسلام، ارادت به روحانیت و مرجعیت، وابستگی به یک
رهبر عظیم روحانی و دینی بود و در حقیقت، مردم به عنوان
ارادت به او و خشم در برابر اهانت به او در نوزده دی ماه قیام
کردند. قیام مردم قم به قیام شهرها و استان های دیگر انجامید و
در نهایت به یک هیجان عمومی و حرکت همگانی در ملت
منتهی شد و انقلاب به پیروزی رسید



اگر انقلاب اسلامی ارادی بود، هدف آن چه بود؟

آنچه انقلاب را به عنوان یک حرکت در دنباله ی یک
زیربنا و زیرساخت فکری از امام بزرگوار و آموزه های
انقلابی امام به وجود آورد، احیای دین خدا بود. مردم
دین را در معرض خطر دیدند و وقتی مردم، مقام مقدس
مرجعیتی که عنوان نیابت از حجت خدا و امام زمان
(عج) دارد را مورد اهانت احساس کردند، به عنوان حمایت
از دین به پا خاستند



انقلاب انفجاری و انقلاب ارادی

معمولاً انقلاب هایی که در قرن های اخیر رخ داده
است بر دو قسم است

قسم اول) انقلاب های انفجاری

این انقلاب ها در حقیقت، انفجار مردمی به خاطر
مشکلات زندگی، سراسیمگی در عرصه ی عمر، فشار،
خفقان ظلم، بیداد و دیکتاتوری در بعضی کشورها بود؛
مثل انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب روسیه

قسم دوم) انقلاب های ارادی و هدفمند

در این انقلاب ها، مردم برای رسیدن به یک هدف،
دست به انقلاب می زنند و ساختار مدیریت اجتماعی
خودشان را دگرگون می کنند





سه شرط تداوم انقلاب در مسیر اهداف خود

۱) عدم گسست اعتقادی در نسل‌های بعدی انقلاب

شرط اول آن است که نسل‌هایی که در این انقلاب می‌آیند و در راه انقلاب فداکاری می‌کنند، در اعتقاد به انقلاب، از نسل اول گسست پیدا نکنند. دشمن ما از نسل اول این انقلاب مأیوس است و درصدد است بر اثر گسستی که در نسل‌های بعدی به وجود می‌آورد، این انقلاب را متوقف کند. باید دقت کرد که این گسست به وجود نیاید و نسل‌ها به این انقلاب وابسته شوند و اتصال پیدا کنند.

خوشبختانه تا امروز، چهار نسل در مسیر انقلاب آمده و این چهار نسل نه تنها گسست پیدا نکرده‌اند، بلکه در زمینه‌ی روحیات ایشار و حرکت انقلابی، نسل‌های بعدی پیشرفته‌تر و جلوتر از نسل اول است و در آینده نیز اگر بتوانیم مسیر آموزش‌ها، تعالیم و رسالت هدایتی خودمان را در این انقلاب ادامه داده و پیش برویم، یقیناً پیشرفت خواهیم کرد و انقلاب هرچه زودتر به نقطه‌ی نهایی خود می‌رسد.

۲) عدم تجزیه‌ی جامعه به سیاست‌گریز و سیاست‌زده

شرط دوم این است که جامعه‌ی انقلابی ما به «سیاست‌گریز» و «سیاست‌زده» تجزیه نشود که یک عده سیاست‌زده باشند و هدف انقلاب و سیاست را فراموش کنند و فکر کنند باید در این انقلاب فقط به مقام و قدرت برسند و عده‌ای سیاست‌گریز باشند و فکر کنند انقلاب ربطی به دین و اسلام ندارد و یک اسلام سکولار گوشه‌مسجدي را برای خود انتخاب کنند و از همه مسئولیت‌های لازم، شانه را کنار بکشند. اگر مردم سیاست‌گریز یا سیاست‌زده شدند و جریان اخلاص در خط بندگی خدا، به فرصت طلبی استحاله شد و فرصت‌طلبی و قدرت‌طلبی جای اخلاص را گرفت، یک خطر برای انقلاب است.

۳) عدم استحاله‌ی جریان «تکلیف‌محور» به «قدرت‌محور»

شرط سوم، استحاله نشدن جریان تکلیف‌محور در جامعه‌ی اسلامی است که از همه بیشتر انقلاب را تهدید می‌کند. استحاله‌ی جبهه‌ی «تکلیف‌محور» به جبهه‌ی «قدرت‌محور»، خطر بزرگی است.

هدف خود رسیده‌است؟

لامی در تمام فراز و نشیب‌ها و تمام این ۴۳ سال از روز قیام مردم در قم راحیای دین خدا و عرصه‌ی توسعه دینی، نقشی داشته، به هدف خود ب اسلامی را تنها در عرصه‌ی عمران، تحلیل کنیم، انقلاب به هدف واقعی که انقلاب مقدس اسلامی در همه‌ی تأمین رفاه در زندگی این مردم یک

که دین و اسلام در چهار دیواری حبوس بود؛ از این چهار دیواری که ظاهر و در دیوار این مملکت، مظهر در عرصه‌ی انسانیت و انسان دوستی بود و حتی در همان چهار دیواری نیز بر دینی نمی‌توانست واقعیت‌های ساز اسلام را آزادانه مطرح کند و به

سید و دین از انحصار چهار دیواری خارج شده و در رأس معادلات گرفته است و همه‌ی معادلات استکبار می‌خواست در آن حاکم این قدرت برای دین به وجود

می‌کنیم و مشاهده می‌کنیم که با استکبار جهانی، در مسیری ت. آن روز، استکبار جهانی حرف و امروز، استکبار جهانی به این ده که نتیجه‌اش را دیروز و دیروز

قلا در میانه‌ی راه است و به پایان ی بر یک نظام ستم‌شاهی و به برای توسعه و حرکت این انقلاب بشریت بوده که تا به اینجا و رو به بالا رفتیم و در مسیر تصاعد

از روز اول پیروزی انقلاب افراد قدرت‌محوری داشتیم که به انقلاب عقیده نداشتند و انقلابی نبودند و در جریان‌های مختلف سیاسی برای به دست گرفتن قدرت منسجم می‌شدند و خوشبختانه به نتیجه نمی‌رسیدند و یا اگر به نتیجه می‌رسیدند به‌خاطر مواجهه با ایمان، دین و اعتقاد خدایی مردم نسبت به خدا شکست می‌خوردند.

در سوی دیگر، جبهه‌ی تکلیف‌محور بود که بر اسلح تکلیف خود عمل می‌کرد جبهه‌ی تکلیف محور در هر موقعیتی قرار می‌گرفت، به این اصل معتقد بود که مسئولیت، امانت است و قدرت، ثروت و منصب نیست.

اگر این جریان تکلیف‌محور به جریان قدرت‌محور استحاله شود و مسئولیت را به‌عنوان تکلیف شرعی دنبال نکند و به‌عنوان فرصت به دنبال آن برود، انقلاب ما با خطر و تهدید مواجه می‌شود.

اگر انسان در عرصه‌ی مسئولیت، تکلیف‌محور شد، دیگر روز و شب و ساعت کار ندارد و با همه‌ی قدرت می‌جنگد و مبارزه می‌کند و در عرصه‌ی مدیریت، تکالیف و خدمتش را به مردم انجام می‌دهد.

در عرصه‌ی امروز به مدیریت جهادی در عرصه‌های مختلف نظام نیاز داریم و این مدیریت جهادی در سایه‌ی این است که جبهه‌ی تکلیف‌محور بیاید و در کشور، امور را به دست گیرد.



نقش مردم در تداوم انقلاب در مسیر اهداف

مردم! شما که می‌خواهید در مسأله‌ی انتخاب مدیران کشور دخالت کنید، حواستان جمع باشد که اگر جبهه‌ی تکلیف‌محور بر اوضاع مدیریتی کشور مسلط شد، انقلاب به طرف نقطه هدف خود که جهانی شدن اسلام است، حرکت تصاعدی خواهد داشت؛ اما اگر بنا شد جریان‌های قدرت‌محور و عناصر سودجو، جریان مدیریت را به دست بگیرند، انقلاب دچار شکست، توقف یا کندی خواهد شد.





امروز، اسلامی است که در معادله‌بندی‌های سیاسی واقع شده و امروز، هر مسلمانی در کشورهای اسلامی، دین و مقتضای دین، دستور و مصلحت دین، سرنوشت حاکمیت و اساس دین را در معادلات سیاسی خود دخالت می‌دهد؛ یعنی اسلامی که در حسینه‌ها زندانی بود و در همان زندان هم آزاد نبود، بر فراز معادلات سیاسی قرار گرفته و معادلات سیاسی دنیا را بر هم زده‌است.

در حالی که در یک جنگ ۶ روزه، دو میلیون صهیونیست با هشتاد میلیون عرب مسلمان جنگیدند، آنان را شکست دادند و زمین‌های آنان را گرفتند و بر تمام سرنوشت آنان مسلط شدند و آنان را به ذلت کشاندند؛ چون آمریکایی خواست و اراده کرده بود. امروز آن دو میلیون صهیونیست به چند میلیون مبدل شده و آن امکانات، تجهیزات و توان بالای نظامی و تسلیحاتی، صد ها برابر در صهیونیست‌ها توسعه پیدا کرده است اما اسیر تعدادی بچه‌شیعه‌ی حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه و گرفتار حرکت تعدادی فلسطینی آواره شده و مستأصل شده‌اند. امروز، از حمله‌ی حزب‌الله، موشک و سلاح یک گروه مسلمان در گوشه‌ای از لبنان می‌ترسند و وحشت دارند. معادلات سیاسی دنیا اینگونه به هم خورده و انقلاب، اسلام را بر فراز معادلات سیاسی دنیا گذاشته و معادلات سیاسی آمریکایی در منطقه بر هم خورده است. امروز، آنچه آمریکایا اراده کند با همه‌ی شیطنتها، رذالت‌ها و فتنه‌هایی که انجام

یک عنوان مزخرف و مورد استهزاء و تمسخر جهانیان تبدیل شده است. این نتیجه‌ی پیکار با دین و مقابله‌ی دین با استکبار در این عرصه‌ی ۴۳ ساله در بستر این انقلاب بوده است.

انقلاب ما، یک انقلاب هدفمند و ارادی است و این انقلاب در رسیدن به هدف خودش نیز بحمدالله موفق بوده و پیشرفت داشته و پیروز است.

باید توجه داشت که انقلاب در میانه‌ی راه است و به پایان راه نرسیده‌است. پیروزی بر یک نظام ستم‌شاهی و به دست آوردن یک اهرم برای توسعه و حرکت این انقلاب در امت اسلام و جهان بشریت بوده که تا به اینجا پیروزمندانه جلو آمدیم و رو به بالا رفتیم و در مسیر تصاعد هستیم اما آیا انقلاب تا آخرین هدف خودش که برقراری حاکمیت جهانی اسلام به دست توانمند حجت خدا و به دست حضرت بقیه‌الله است می‌رسد؟ این مسأله‌ای است که همه می‌خواهند بدانند.

می‌دهد، محقق نمی‌شود و علت این است که دین در رأس معادلات سیاسی مسلمانان و امت اسلام قرار گرفته است. تنها این کشور و مملکت نیست، بلکه در همه‌ی جهان، هر کجا مسلمانی هست، امروز در معادله‌بندی سیاسی خود، برای دین جایگاهی قائل است و در فکر این است که تکلیف دینی در این معادله‌ی سیاسی چیست و قدرت دین، حاکمیت اسلام و توسعه‌ی حاکمیت و مکتب دین در نقش جهانی خود، چه سهمی دارد و به چه نتیجه می‌رسد.

امروز بعد از ۴۳ سال از ۱۹ دی ۱۳۵۶، دقیقاً احساس می‌کنیم و مشاهده می‌کنیم که دین در نبرد و پیکار با استکبار جهانی، در مسیری موفق قرار گرفته است. آن روز، استکبار جهانی حرف نهایی را در دنیا می‌زد و امروز، استکبار جهانی به این بلا و نکبتی مبتلا شده که نتیجه‌اش را دیروز و دیروز در آمریکا دیدید.

لیبرال دموکراسی آمریکایی، امروز به

سه شرط برای تحقق هدف انقلاب اسلامی

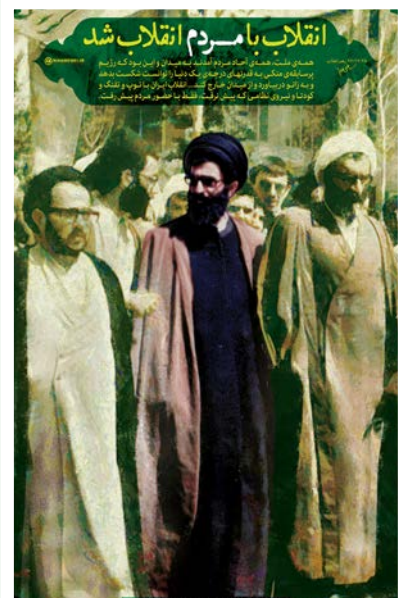


نیاید و نسل‌ها به این انقلاب وابسته شوند و اتصال پیدا کنند.

خوشبختانه تا امروز، چهار نسل در مسیر انقلاب آمده و این چهار نسل نه تنها گسست پیدا نکرده‌اند، بلکه در زمینه‌ی روحیات ایثار و حرکت انقلابی، نسل‌های بعدی پیشرفته‌تر و جلوتر از نسل اول است و در آینده نیز اگر بتوانیم مسیر آموزش‌ها، تعالیم و رسالت هدایتی خودمان را در این انقلاب ادامه داده و پیش برویم، یقیناً پیشرفت خواهیم کرد و انقلاب هرچه زودتر به نقطه نهایی خود می‌رسد.

۱) عدم گسست اعتقادی در نسل‌های بعدی انقلاب

انقلاب ما مسیر خودش را ادامه می‌دهد و با سرعت هم پیش می‌رود و زود هم به نتیجه می‌رسد اما به سه شرط: شرط اول آن است که نسل‌هایی که در این انقلاب می‌آیند و در راه انقلاب فداکاری می‌کنند، در اعتقاد به انقلاب، از نسل اول گسست پیدا نکنند. دشمن ما از نسل اول این انقلاب مأیوس است و درصدد است بر اثر گسستی که در نسل‌های بعدی به وجود می‌آورد، این انقلاب را متوقف کند. باید دقت کرد که این گسست به وجود





همه چیزشان را برای خودشان می خواهند و مقام و موقعیت و منصبشان را برای به دست آوردن پول می خواهند و درآمد و ثروت را برای لذت و رفاه بیشتر می خواهند، انقلاب ما در مسیرش یا شکست می خورد یا دچار توقف می شود یا با کندی پیش می رود.

امروز به مدیریت جهادی در عرصه های مختلف نظام نیاز داریم و این مدیریت جهادی در سایه این است که جبهه های تکلیف محور بیاید و در کشور، امور را به دست گیرد. مردم! شما که می خواهید در مسأله ای انتخاب مدیران کشور دخالت کنید، حواستان جمع باشد که اگر جبهه های تکلیف محور بر اوضاع مدیریتی کشور مسلط شد، انقلاب به طرف نقطه هدف خود که جهانی شدن اسلام است، حرکت تصاعدی خواهد داشت؛ اما اگر بنا شد جریان های قدرت محور و عناصر سودجو، جریان مدیریت را به دست بگیرند، انقلاب دچار شکست، توقف یا کندی خواهد شد.

۱. تکلیف گرایی معنایش این است که انسان در راه رسیدن به نتیجه ی مطلوب، بر طبق تکلیف عمل کند؛ برخلاف تکلیف عمل نکند، ضد تکلیف عمل نکند، کار نامشروع انجام ندهد. (مقام معظم رهبری - ۶ مرداد ۱۳۹۲)
۲. روحیه ی جهادی یعنی کار را برای خدا انجام دادن، کار را وظیفه ی خود دانستن، همه ی نیروها را در راه کار درست به میدان آوردن؛ این روحیه ی جهادی است. (مقام معظم رهبری - ۲۲ مهر ۱۳۹۴)

فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ» آقای اشعث، این مقام دولتی، کاسبی و شغل نیست، بلکه امانتی است بر گردن تو. جبهه های تکلیف محور در هر موقعیتی قرار می گرفت، به این اصل معتقد بود که مسئولیت، امانت است و قدرت، ثروت و منصب نیست.

اگر این جریان تکلیف محور به جریان قدرت محور استحاله شود و مسئولیت را به عنوان تکلیف شرعی دنبال نکند و به عنوان فرصت به دنبال آن برود، انقلاب ما با خطر و تهدید مواجه می شود.

اگر انسان در عرصه ی مسئولیت، تکلیف محور شد، دیگر روز و شب و ساعت کار ندارد و با همه ی قدرت می جنگد و مبارزه می کند و در عرصه ی مدیریت، تکالیف و خدمتش را به مردم انجام می دهد.

امروز، وضعیت جامعه و مردم در شرایط خاصی است و در عرصه های مدیریت نظام باید جبهه های تکلیف محور قرار گیرد؛ یعنی انسان ها بیایند و مدیریت را نه به عنوان سمت و منصب، نه به عنوان وسیله ی به دست آوردن آلا ف و الو ف بلکه به عنوان یک تکلیف و همچنین دین و انقلاب را به عنوان یک امانت فرض کنند و بایستند.

همانطور که در فرمایشات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) اشاره شد، موقعیت مردم ما و مشکلاتی که امروز در کشور داریم، هیچ کدام مربوط به کمبود و کسر در کشور نیست؛ بلکه مربوط به این است که در عرصه ی مدیریت ها، یک عنصر جهادی^۲ بیاید و بدون این کوچک ترین ملاحظه در مسائل شخصی خودش داشته باشد، جهاد مآبانه مقابله و برخورد کند و بایستد و مدیریت کند و با حرکت جهادی مشکلات مردم را حل کند. اگر این عناصر در عرصه ی مدیریت جامعه و در عرصه ی اجرایی کشور وارد شوند، انقلاب با سرعت به سمت نقطه ی هدف پیش می رود اما اگر عرصه ی مدیریت کشور در دست جبهه های قدرت محور قرار گرفت، آدم هایی که

۲) عدم تجزیه ی جامعه به سیاست گریز و سیاست زده

شرط دوم این است که جامعه ی انقلابی ما به «سیاست گریز» و «سیاست زده» تجزیه نشود که یک عده سیاست زده باشند و هدف انقلاب و سیاست را فراموش کنند و فکر کنند باید در این انقلاب فقط به مقام و قدرت برسند و عده ای سیاست گریز باشند و فکر کنند انقلاب ربطی به دین و اسلام ندارد و یک اسلام سکولار گوشه مسجدی را برای خود انتخاب کنند و از همه مسئولیت های لازم، شانه را کنار بکشند. اگر مردم سیاست گریز یا سیاست زده شدند و جریان اخلاص در خط بندگی خدا، به فرصت طلبی استحاله شد و فرصت طلبی و قدرت یابی جای اخلاص را گرفت، یک خطر برای انقلاب است.

۳) عدم استحاله ی جریان «تکلیف محور» به «قدرت محور»

شرط سوم، استحاله نشدن جریان تکلیف محور در جامعه ی اسلامی است که از همه بیشتر انقلاب را تهدید می کند و متأسفانه با بعضی از جریان ها و عناصر این چنینی در جامعه ی خودمان روبرو هستیم. استحاله ی جبهه ی «تکلیف محور»^۱ به جبهه ی «قدرت محور»، خطر بزرگی است.

از روز اول پیروزی انقلاب افراد قدرت محوری داشتیم که به انقلاب عقیده نداشتند و انقلابی نبودند و در جریان های مختلف سیاسی برای به دست گرفتن قدرت منسجم می شدند و خوشبختانه به نتیجه نمی رسیدند و یا اگر به نتیجه می رسیدند به خاطر مواجهه با ایمان، دین و اعتقاد خدایی مردم نسبت به خدا، شکست می خوردند.

در سوی دیگر، جبهه ی تکلیف محور بود که بر اساس تکلیف خود عمل می کرد. امیر المؤمنین (علیه السلام) در نامه ای به اشعث بن قیس می نویسد «وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ

خدایا! به عزت اولیائت، انقلاب مقدس اسلامی ما که سر آغاز موج نهایی اش در ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ با ایثارگری و فداکاری مردم غیور و فداکار قم بود، هرچه زودتر و کامل تر به ظهور و فرج مولا بقیة الله، نزدیک فرما؛ ارواح مطهره ی شهدا و روح مطهر امام بزرگوار ما را از پایمردی مردم هوشیار و بیدار در پای ستون خیمه ی این نظام (مقام ولایت و رهبری) خوشنود و راضی گردان؛ سایه ی پر برکت مقام معظم رهبری بر سر ما مستدام دار؛ دشمنان ناپاک ما در جبهه های کفر و نفاق و استکبار، نابود و ریشه کن گردان. و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته



حضرت زهرا عليها السلام سرمشقی است برای زن ایرانی

که می‌خواهد علیرغم تمام بدآموزیها، موجودی دنبال‌برویشان یعنی دیندار، طیب و طاهر، شجاع، مبارز و وفادار باشد و در عین حال در میدانهای دشوار زندگی با تمام وجود سرمایه‌گذاری کند.

سید علی
رهبر انقلاب
۶۳/۱۱/۱۲



سایت مرکز رسیدگی به امور
مساجد استان های خراسان
masjedkh.ir



مرکز رسیدگی به امور مساجد
استان های خراسان



سایت آیت الله علم الهدی
alamolhoda.com

مشهد الرضا (ع)؛ خیابان امام رضا (ع)؛ امام رضا ۹؛ مسجد رانندگان؛ ساختمان شماره ۲ مرکز رسیدگی به امور مساجد استان های خراسان